

بررسی فرآیند تأثیر محیط بر شخصیت متنبی و سعدی

جواد خانلری*

تاریخ دریافت: ۹۶/۱/۱۷

ابراهیم نامداری**

تاریخ پذیرش: ۹۶/۵/۳۰

منیره سادات طلایی تبار***

چکیده

هر فرهنگی ویژگی‌های خاص خود را دارد و این ویژگی‌ها بر شکل‌گیری شخصیت کاربران فرهنگی تأثیر دارد، چنانکه انگلیسی‌ها خونسردند و آمریکایی‌ها متعهد، ژاپنی‌ها پرتلاش و اسکاتلندی‌ها خسیس و فرانسوی‌ها رمانتیک و ایرانی‌ها بدبین هستند. اوضاع و احوال روزگار سعدی و متنبی به گونه‌ای بوده است که آن‌ها به حکمت‌گرایی پیدا کرده‌اند. این دو شاعر تحت تأثیر فضای زمانه خود بوده‌اند. انتشار فرهنگ یونانی و فارسی در گرایش هر دو به سخنان حکیمانه تأثیر داشته است. اندیشه‌های موعظه‌گرایانه تحت تأثیر زمان و محیط اجتماعی سیاسی، در شعر سعدی و متنبی شکل می‌گیرد. خودستایی متنبی اثر گرفته از عصر و زمانه او است و گرایش بیش از حد سعدی به تواضع و فروتنی، برخاسته از روحیات زمانه‌اش است.

کلیدواژگان: شخصیت، عامل محیط، تعامل، متنبی، سعدی.

Khanlarix59@yahoo.com

* عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه پیام نور (استادیار).

enamdari@yahoo.com

** عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه پیام نور (استادیار).

*** دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه پیام نور مرکز کرمانشاه.

m.talaitabar2015@gmail.com

نویسنده مسئول: ابراهیم نامداری

مقدمه

شرایط محیط اجتماعی بر تکوین شخصیت و نوع رفتارهای انسان تأثیر زیادی دارد و شرایط محیط طبیعی به مقدار قابل ملاحظه‌ای در ساختن خلق و خوی آدمی مؤثر است. شخصیت مردم یک کشور، توسط طبیعت و نوع محیطی که برای مدتی طولانی در آن زندگی می‌کنند شکل می‌گیرد و تفاوت‌های نژادی در شخصیت، تا حد زیادی به تفاوت محیط‌هایی که مردم نژادهای مختلف برای چندین نسل در آن زیسته‌اند بستگی دارد. در دنیا هیچ فرهنگی مانند فرهنگ دیگر نیست و به تعداد اقوام و جامعه‌های مختلف فرهنگ‌های متفاوت وجود دارد و به تعداد فرهنگ‌ها، شخصیت‌های متفاوت وجود دارد. بدون شک محیط طبیعی، شاعر را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از همین روست که برداشت شاعر کویرنشین از طبیعت با شاعری که در جنگل و در میان طبیعت پر بار، زندگی می‌کند متفاوت است و هر یک شیوه‌ای جداگانه دارند. سعدی و متنبی، هر دو از شاعران بزرگ و نامی ایران و عراق به شمار می‌آیند که در برخی از وجوه تفکر و نحوه بیان و نوع بینش و هنر تصویرگری و جوشندگی، طبعی مخالف یکدیگر دارند. برخی از ویژگی‌های شخصیتی عمدتاً توسط محیط در فرد به وجود می‌آیند و ظهور و بروز آن‌ها به شرایط محیطی بستگی دارد. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع در این تحقیق به بررسی و تأثیر محیط در شکل‌گیری شخصیت دو شاعر مشهور و بزرگ سعدی و متنبی پرداخته شده است که هر کدام از آن دو سهم عظیمی در پروراندن زبان و ادبیاتشان دارند. در تحقیقات ادبی بیش‌تر بر روی آثار ادبی کار شده و کم‌تر به جزئیات تاریخی و سیاسی روزگار شاعران پرداخته شده ولی این تحقیق به بررسی اوضاع و احوال خانوادگی و اجتماعی روزگار سعدی و متنبی پرداخته و شخصیت این دو شاعر را با هم مقایسه می‌کند که این اهمیت موضوع را دو چندان می‌کند و ارزش بیش‌تری به پژوهش انجام‌شده می‌دهد.

تعریف مسأله

روانشناسان عصر حاضر نشان داده‌اند که واکنش‌های حسی، روانی و اخلاقی فرد با دوران طفولیت، پرورش ذهنی و عاطفی و نیز محیط زندگی او پیوندی منطقی و

ناگسستگی برقرار می‌کند (نوحی، ۱۳۸۸: ۸۸). همچنان که از مباحث مهم و ارزشمند نظریه پردازان اسلامی این است که، برای اقلیم‌های چهارگانه سرد و خشک، گرم و مرطوب، گرم و خشک، سرد و مرطوب استعدادها و قابلیت‌های رفتاری متفاوتی را بیان نموده‌اند که از این میان طبع و اقلیم گرم و خشک قابلیت‌های بیش‌تری را برای پرورش معنوی انسان در جهت بروز رفتارهای مناسب و تکامل اخلاقی فراهم می‌آورد. با توجه به اینکه مزاج زاییده محیط، شخصیت زاییده مزاج و اخلاق و رفتار زاییده شخصیت است، به اهمیت تأثیر محیط بر شخصیت و رفتار دو شاعر بزرگ سعدی و متنبی در این پژوهش پرداخته می‌شود.

سؤالات مطرح‌شده در این پژوهش: الف- تأثیر محیط و عوامل محیطی در شکل‌گیری شخصیت چگونه می‌باشند؟ ب- عوامل محیطی تنها عامل مؤثر در شکل‌گیری شخصیت می‌باشند؟ ج- چگونه اراده انسان می‌تواند بر عوامل محیطی غلبه کند؟ د- بررسی محیط و عوامل محیطی بر شخصیت سعدی و متنبی چگونه می‌باشد؟

پیشینه تحقیق

از حدود پنجاه سال پیش تا کنون سنجش‌هایی میان شعر متنبی و سعدی انجام شده است، نخستین کار در این زمینه به کتاب دکتر حسین علی محفوظ- ادیب عرب- بازمی‌گردد که قدم در این راه گذاشت و کتاب «متنبی و سعدی» را نوشت. حدود ده تا پانزده سال پیش در دانشگاه قاهره خانمی به نام *امل/ابراهیم* تحقیقاتی در این زمینه انجام داده است. متنبی از نامدارترین سخنوران تازی در جهان و ایران است. تا کنون سه کتاب در زمینه ترجمه سروده‌های این سخن‌سرای بزرگ به فارسی چاپ شده است از جمله: ۱- «ترجمه و تحلیل دیوان متنبی»، *علیرضا منوچهریان*، که ترجمه و تحلیل دیوان متنبی را در دو جلد روانه بازار کرده است. وی در این کتاب کوشیده تا مخاطبان فارسی زبان را با این شاعر تأثیرگذار عرب آشنا کند. ۲- «شرح گزیده دیوان متنبی»، *غلام عباس رضایی هفتادار* و *محمدحسن حسن‌زاده نیری* ۳- «چکامه‌های متنبی»، *موسی اسوار*. از دیگر آثار مقایسه‌ای رساله دکتری «مردم‌گرایی و مردم‌گریزی در اشعار متنبی و سعدی» نوشته *سید جلال‌الدین سیادت*. «نقد روان‌شناسی شخصیت در اشعار

متنبنی»، نوشته یحیی معروف و مسلم خزلی. «غزل در اشعار سعدی و متنبنی»، نوشته لیلا قاسمی حاجی آبادی، مریم پیکان پور. از مهم‌ترین داده‌های مورد استفاده پژوهش حاضر، دیوان‌های شعری سعدی و متنبنی، کتاب‌های ارزیابی شخصیت و روان‌شناختی و مصادر و منابع مرتبط است و روش خاص پژوهش توصیفی-تحلیلی است که با تحلیل شواهد درون متنی و مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام گرفته است.

تعریف محیط

هر آنچه که بیرون از انسان است و بر انسان احاطه دارد، محیط به حساب می‌آید. همچنین محیط شامل تمامی متغیرهای خارج از وجود فرد می‌شود که از آغاز باروری و انعقاد نطفه تا هنگام تولد و سپس تا مرگ، انسان را در بر گرفته و بر او تأثیر می‌گذارد یا از وی تأثیر می‌پذیرد (آلن ا.راس، ۱۳۹۲: ۳۸). روان‌شناسی محیطی به رفتارهای مرتبط با محیط فیزیکی می‌پردازد. محیط فیزیکی شامل اشیاء مادی، گیاهان، حیوانات و انسان‌هاست. روان‌شناسی محیطی از رویکرد سیستمی که امروزه در شاخه‌های مختلف علوم به عنوان رویکردی مدرن مورد استفاده قرار می‌گیرد پیروی می‌کند و به مطالعه سازواره‌ها به عنوان بخشی از اکوسیستم، با تأکید بر موازنه و وابستگی درونی سازواره‌ها و محیط می‌پردازد. آب و هوا بر روی خلق و خوی انسان تأثیر می‌گذارد. آب و هوای سرد مردم را فعال و سخت‌کوش می‌کند. احتمال انجماد، باعث ایجاد حس ناامنی می‌شود و در یک محیط سرد، فرد باید به طور مداوم کار کند تا بدنش را گرم نگه دارد. مردمی که در نواحی سردسیر زندگی می‌کنند باید برای زندگی‌شان از قبل برنامه‌ریزی کنند. محیط نامساعد و دشوار، مردم را پرخاشگر و جسور می‌کند. مردم این گونه محیط‌ها آدم‌هایی عمل‌گرا بار می‌آیند و رویکرد آنان به محیط، رقابت جویانه یا بهره بردارانه است. در نقطه مقابل، مردمی که در آب و هوای گرم زندگی می‌کنند، معمولاً آدم‌هایی غیر فعال و کم‌توجه هستند. ویژگی این نوع خلق و خو، تنبلی و سستی است. کارکردن در مکان‌های بسیار گرم، به خاطر عرق کردن و زود خسته شدن، ناخوشایند است. آب و هوای معتدل، مردمی با خلق و خوی خالص و معتدل بار می‌آورد. ویژگی این نوع خلق و خو، آگاهی از خود و رابطه با محیط است. تأثیر محیط را می‌توانیم به نتیجه یادگیری

مرتبط سازیم ما زمانی می‌توانیم از تأثیرات محیطی صحبت کنیم که آن تأثیرات را در عملکردها، افکار، احساس‌ها و نیازهای فردی، بعد از آنکه در یک محیط تازه قرار گرفته، مشاهده کنیم. ما این تغییرات را حاصل آموزش و یادگیری می‌نامیم (همان: ۶۷).

انواع محیط‌های مؤثر بر شخصیت

شرایط محیطی که آموزش و یادگیری در آن صورت می‌گیرد را می‌توانیم به دو دسته تقسیم کنیم: الف) شرایط محیطی مربوط به محیط طبیعی (فیزیکی)؛ ب) شرایط محیطی مربوط به محیط اجتماعی در تقسیم بندی عمومی محیط مؤثر بر شخصیت فرد به دو دسته محیط فیزیکی و محیط اجتماعی تقسیم می‌شوند:

الف) محیط طبیعی یا فیزیکی مؤثر بر شخصیت: محیط فیزیکی، آن محیط طبیعی است که دارای آب و هوا، شرایط اقلیمی، منابع غذایی و امکانات آبی باشد. هر کدام از این‌ها می‌توانند بر روی شخصیت افرادی که به نحوی با آن‌ها در ارتباط هستند، تأثیر بگذارد. مردمی که در مناطق آب و هوایی گرم زندگی می‌کنند، به مراتب از مردمی که در مناطق آب و هوایی معتدل و یا سرد زندگی می‌کنند با انگیزه‌ترند. مردمی که مواد غذایی خود را از راه شکار حیوانات تأمین می‌کنند، طرز تلقی‌های متفاوتی نسبت به شانس و ریسک دارند تا آن‌هایی که مواد غذایی خود را از راه کشاورزی به دست می‌آورند. کسی که با کمبود منابع آبی مواجه است به مردم می‌آموزد که مقتصد و صرفه‌جو باشند. در عوض کسانی که با فراوانی و وفور منابع آبی مواجه هستند، افراط و زیاده‌روی را تجویز می‌کنند. در ارتباط با محیط‌های توسعه یافته طبیعی، الگوهای شخصیتی به صورتی تحول می‌یابند که تمایل دارند هرچه بیش‌تر بر شرایط محیطی تسلط داشته باشند. در مناطقی که با تغییرات فصلی، تغییرات دمایی بارزی صورت می‌گیرد، می‌توان اعمال بسیار خصمانه‌ای را در فصل تابستان گرم بیش‌تر از فصل زمستان مشاهده کرد. مردمی که در مناطق کوهستانی زندگی می‌کنند، با غریبه‌ها کم‌تر جوش می‌خورند. در حالی که مردمی که در مناطق جلگه‌ای زندگی می‌کنند، چنین نیستند (همان: ۲۲).

ب) محیط اجتماعی: محیط پیچیده اجتماعی، یعنی الگوهای فرهنگی، طبقه اجتماعی، شیوه‌های تربیتی کودکان، ساختار خانواده، سیستم‌های تعلیم و تربیت و الگوهای استخدامی است. اعضای یک طبقه اجتماعی بر روی نحوه گفتار، نوع پوشش، امکان بازآفرینی فعالیت‌ها، نحوه تلقی از استعدادها و اهداف زندگی تأثیر می‌گذارد. آنچه افراد در دوران کودکی خویش تجربه می‌کنند مانند تنبیه‌های انضباطی والدین، الگوهای غذایی، شیوه بروز احساسات و عواطف، ممانعت‌ها و انتظارات، غالباً پایه و اساس شخصیت افراد در سنین بزرگسالی است. در ارتباط با این موضوع، ساختار خانواده هم دخیل است؛ یعنی تعداد خواهران برادران، تعداد افراد خانواده، وجود پدر یا مادر، تماماً نشان داده‌اند که نقش عمده‌ای در تحول شخصیت کودک به عهده دارند. در خارج از محیط خانه، شخصیت از مشخصه‌های محیط اجتماعی مثل مدرسه، میزان تحصیلات، شغل و محل کار و این که شاغل یا بیکار است تأثیر می‌پذیرد. سعدی و متنبی در ایام کودکی از نعمت یکی از والدین محروم بوده‌اند، متنبی مادر و سعدی پدر خود را از دست داده بودند. متنبی تحت تربیت جدّه مادری‌اش قرار داشته و سعدی با تربیت جدّه مادری‌اش بزرگ شده بود. تغییرات محیطی زیادی وجود دارد که ممکن است بر شخصیت فرد بزرگسال تأثیر بگذارد. بعضی از این‌ها عبارت‌اند از ازدواج، طلاق، پدر و مادر شدن، از دست دادن یا تغییر شغل، مسئولیت نگهداری از والدین علی، الزاماً همه این وقایع تغییر قابل توجه و محسوسی در شخصیت فرد به وجود می‌آورند (همان: ۲۳).

تعریف شخصیت

شخصیت هر فرد، گرایش‌های دیرپایی سرشتی وی و آن واقعیت بنیادینی است که زمینه ساز تفاوت‌های فردی مهم در رفتار محسوب می‌شود (آیسنک، ۱۳۷۷: ۵۷). شخصیت شامل عمیق‌ترین و نوعی‌ترین خصوصیات فرد است (ریچارد آی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۹). شخصیت مفهومی انتزاعی است و متخصصان مختلف تعاریف نسبتاً متفاوتی را برای آن ذکر کرده‌اند. اما اکثر آن‌ها با این موضوع موافق هستند که شخصیت ترکیبی از اعمال، افکار، هیجانات و انگیزش‌های فرد است. شخصیت افراد منحصر به فرد می‌باشد اما شخصیت افراد مختلف، دارای وجوه اشتراک خاصی است. شخصیت یک فرد نسبتاً

ثابت باقی می‌ماند اما دو عامل رشد و تجربه می‌توانند آن را تغییر دهند. روان‌شناسان مختلف شخصیت را به گونه‌های متفاوتی تعریف کرده‌اند، از جمله گوردون آلپورت (۱۹۳۷)، یعنی کسی که به نظر بسیاری بنیانگذار مطالعات نوین شخصیت است، شخصیت را بدین گونه تعریف کرده است: «سازمان پویایی از سیستم‌های روان‌تنی فرد است که رفتارها و افکار خاص او را تعیین می‌کنند، در حالی که ریموند کتل (۱۹۵۰)، شخصیت را اینگونه تعریف کرده است: شخصیت، امکان پیش بینی آنچه را که فرد در موقعیتی خاص انجام خواهد داد فراهم می‌کند (آلن. اراس، ۱۳۹۲: ۱۵). شخصیت افراد منحصر به فرد و در عین حال، دارای خصوصیات مشترک می‌باشد و این خصوصیات در طی زمان می‌توانند، هم ثابت و هم دستخوش تغییر باشد؛ وراثت و محیط هر دو در شکل‌گیری شخصیت نقش دارند. شخصیت هم ثابت است و هم انعطاف پذیر، شخصیت از تعامل فاکتورهای محیطی و ژنتیکی حاصل می‌شود. برخی از نظریه‌های شخصیت بر این باور تأکید دارند که شخصیت فرد در دوران کودکی شروع به رشد کرده و در همان سنین اولیه تکوین می‌یابد (همان: ۳۲).

جزئیات جنبه‌های رشد شخصیت

رشد خود انگاره

مفهوم خود: خود انگاره جنبه‌ای مهم و شاید مهم‌ترین جنبه شخصیت یک فرد است. برای اینکه خود انگاره با مفهوم فردیت شخص، متمایز از دیگران و با مجموعه ویژگی‌های منحصر به فرد شخص سر و کار دارد. مفهوم خود شامل آگاهی به زنده بودن، آگاهی از تفکر، استدلال و انجام اعمال خاص و اعتقاد به آگاهی درباره خود فرد بیش از آنچه ممکن است در خصوص دیگران بدانند است. خود انگاره مردم نمایانگر توصیف آنان از خودشان است؛ یعنی آن چیزی که می‌خواهند باشند. با توجه به اینکه آگاهی شخصی یک مفهوم است و مفهوم چیزی است که در ذهن فرد وجود دارد، خود انگاره آگاهی شخصی است؛ شناختی است که دیگران مستقیماً بدان دسترسی ندارند. این امر برای آن‌هایی که می‌خواهند خود انگاره را مطالعه کنند، مشکلاتی به وجود می‌آورد چون آن‌ها نمی‌توانند با مشاهده آنچه آدمی انجام می‌دهد یا می‌گوید، نتایجی را درباره

خود انگاره انسان استنتاج کنند. نخستین گام در رشد خود انگاره، درک این موضوع است که انسان موجود مجزا و منحصر به فرد است که کاملاً با افراد دیگر متفاوت است. خود انگاره در طی زمان و تجربه‌ای که مردم از بافت محیط اجتماعی‌شان و محیط فیزیکی‌شان دارند کسب می‌شود.

رشد اخلاقی: استدلال اخلاقی ارثی نیست، بلکه ما آن را در جریان رشد و در طول زندگی با انسانها یاد می‌گیریم (ریچارد آی و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۳).

طبقه‌بندی شخصیت

یکی از نخستین کوشش‌هایی که در جهت طبقه‌بندی انواع شخصیت صورت گرفت، به وسیله فیلسوف یونانی تئوفراستوس (۲۸۷-۳۷۲ ق. م) بود که کتابی به نام «منش‌ها» نوشت. این کتاب شامل توصیفات از منش شخصیت‌های گوناگون است، و بیشتر تیپ‌های نامطلوب شخصیت چون افراد متملق، خسیس، ریاکار، پست، بی‌کفایت، و راج و حریص را توضیح داده است.

جالینوس پزشک و حکیم یونانی (۲۰۱-۱۳۱ م) بر پایه سیستم طبقه‌بندی که برای اولین بار توسط *بقراط* (۳۷۷-۴۶۰ ق. م) پدر علم پزشکی تهیه شده بود، طبقه‌بندی دیگری از مزاج را ارائه داد. بر طبق طبقه‌بندی *بقراط*، مزاج آدمی از چهار طبع صفر، سودا، بلغم و خون تشکیل شده است، فزونی هر کدام از این‌ها می‌تواند بر طبع و مزاج آدمی تأثیر بگذارد، و حالت‌های روانی خاصی از جمله صغراوی مزاج، بلغمی، سودایی و دموی مزاج را به وجود می‌آورد و هر کدام از این‌ها به ترتیب، خصوصیات هم‌چون تندخو و زودخشم و آتشی، بی‌حال و بی‌عاطفه، افسرده، خوش‌بین و شاد را دارا هستند. بسته به میزان افزایش هر کدام از این اخلاط چهارگانه، فرد توان سازگاری کم‌تر یا بیش‌تر را خواهد داشت (آلن ا.راس، ۱۳۹۲: ۲۹).

گذری بر زندگی و شخصیت سعدی

ابو محمد مصلح‌الدین عبدالله نامور به سعدی شیرازی و مشرف‌الدین شاعر و نویسنده پارسی‌گوی ایرانی است. زادروزش سال ۶۰۶ ق می‌باشد. آوازه او بیش‌تر به

خاطر نظم و نثر آهنگین گیرا و قوی اوست. جایگاهش نزد اهل ادب تا بدانجاست که به وی لقب استاد سخن و شیخ اجل داده‌اند. آثار معروفش کتاب «گلستان» در نثر و «بوستان» در بحر متقارب و نیز «غزلیات و دیوان اشعار» اوست که به این سه اثر «کلیات سعدی» می‌گویند. ابو محمد مشرف الدین مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی ملقب به ملک الکلام و افصح المتکلمین است. وی از شاعران، نویسندگان و گویندگان بزرگ قرن هفتم قمری است. در سخن سعدی غزل عاشقانه به بالاترین حد لطافت و زیبایی رسیده است و در حکمت، موعظه، ایراد حکم و امثال از شاعران شهرت بسیار دارد. نثر مزین، آراسته، شیرین و جذاب وی در «گلستان» از بهترین نمونه‌های نثر فارسی است (اثر آفرینان، ۱۳۷۸: ۲۴۱).

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی

سعدی در کودکی پدرش را از دست داد و از خاندان اهل علم و فضیلت بود. او تحصیلات اولیه را در شیراز و نزد پدرش فرا گرفت. در جوانی به بغداد رفت، و در مدرسه نظامیه آن شهر به تحصیل علوم ادبی و دینی پرداخت. سعدی در دوران زندگی خود نزد استادان و مربیان مختلفی به تحصیل علم و ادب پرداخته است. او در دوران کودکی نزد پدر خود کسب علم نمود. در مدرسه نظامیه بغداد و نیز نزد استادان بزرگی همچون شهاب الدین سهروردی و ابن جوزی به آموختن علوم مختلف همت گماشت (همان: ۲۴۲). دوستان زیادی داشت و علاوه بر بزرگان و دانشمندان زیاد، اتابکان فارسی که شهره عام و خاص می‌باشند نیز ممدوح سعدی بوده‌اند همانند صاحب دیوان شمس الدین و برادرش عظاملک جوینی. سعدی با شاعرانی همانند مجد همگر و خواجه همام تبریزی نیز ارتباط داشته و مورد ستایش آن‌ها قرار گرفته است (زهتابی، ۱۳۸۸: ۲۴۰).

حیات سعدی مقارن با هجوم خانمان سوز مغول به ایران است. بر اساس مستندات تاریخی، عصر پیش از حمله مغول و پس از آن، یکی از بدترین ادوار تاریخی این سرزمین به حساب می‌آید. روزگار پیش از مغول، روزگار اوج‌گیری نزاع‌های فرقه‌ای و دعواهای کلامی است. کارنامه مغول، طی دو قرن حکومت بر ایران را می‌توان اینگونه توصیف کرد: «کشتارهای بی‌امان و قتل عام‌های پی‌درپی، شکنجه‌ها و آزارها،

سر بریدن و مثله کردن، تجاوز به نوامیس مردم بی دفاع، دزدی و غارت، ترویج انواع مفسد و معایب، دروغ و تزویر، مخالفت با شرع و اخلاق و انسانیت» (صفا، ۱۳۵۶: ۱۳). نمونه‌هایی از این بی‌اخلاقی‌ها در آثار سعدی ذکر شده است به عنوان مثال سعدی به فساد قاضیان اینگونه اشاره می‌کند:

«همه کس را دندان به ترشی کند گردد مگر قاضیان را که به شیرینی

قاضی که به رشوت بخورد پنج خیار
ثابت کند از بهر توده خربزه زار
(سعدی، ۱۳۷۴: ۱۹۰)

این نابسامانی‌های اخلاقی و اجتماعی نتیجه مهمی در ادبیات به بار آورد و آن رواج شعر انتقادی بود که نمونه برجسته آن را می‌توان در آثار سعدی به ویژه در خبیثات یا هزلیات او مشاهده کرد (صفا، ۱۳۵۶: ۳۳۳). سعدی در دوران میانسالی سفرهای بسیاری کرد. او در زمان *سلطان اتابک ابوبکر بن سعد بن زنگی* به شیراز برگشت و به خلق آثاری چون «بوستان» و «گلستان» پرداخت (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۲۰۴۰). سعدی یکی به علت شوق جهانگردی و دیگر به سبب کشمکش‌های بین خوارزمشاهیان و اتابکان فارس و هجوم مغول به سفری طولانی پرداخت که در حدود سی تا چهل سال طول کشید. وی بغداد، سوریه و مکه را تا شمال آفریقا گشت. وی در آثار خود از سفر به کاشغر، هند و ترکستان سخن گفته است. اشعار سعدی در انواع قالب‌ها مانند قصیده، غزل، قطعه، رباعی، ترجیع بند و ترکیب بند سروده شده است. چون آثار سعدی نتیجه تجربیات و مطالعات و مشاهدات اوست، آثارش هم شامل نکات اخلاقی، پند و موعظه است، و هم دارای مضامین عاقلانه و لطف و زیبایی است (زهتابی، ۱۳۸۸: ۲۴۳). سعدی در یکی از خونبارترین روزگاران تاریخ جهان زندگی کرد و سقوط آدمی را به فرودترین جایگاه اخلاق و رذالت به چشم دید، عشق را که شرف آدمی را در شناخت آن می‌دانست فراموش نکرد و یکی از زیباترین نغمه‌های عاشقانه جهان را در زبان فارسی به وجود آورد و در نثر فارسی اثری آفرید که قرن‌هاست زبان فارسی را زیر سیطره دارد و نه تنها در طول روزگاران در روزگار ما نیز نثرنویسان از آن الهام گرفته‌اند و می‌گیرند. سعدی سالیانی دراز به گشت و گذار و جهانگردی پرداخت، بیش از بیست سال پس از آنکه تحصیلات خود را در بغداد به پایان برد، به شیراز برگشت و آنگاه به جهانگردی و سیر و

سفر پرداخت یا از همان جا راه سرزمین های اسلامی چون حجاز، شام، لبنان و روم به سفر پرداخته و روزگارانی با مردمان گوناگون به سر برده و از هر گوشه‌ای بهره‌ای گرفته و از هر خرمی توشه‌ای برداشته است. آرامگاه سعدی در کنار شیراز از روزگاران قدیم شهرت داشته است و تخلص خود را از نام سعد بن ابی بکر بن سعد زنگی ولیعهد مظفرالدین ابوبکر گرفت.

ترتیب و تناسب و تنوع «گلستان» همراه با موضوعات دلکش اجتماعی و اخلاقی و تربیتی و سبک ساده و شیرین نویسندگی، سعدی را به عنوان خداوند سخن معرفی کرده است. سعدی در سیر و سلوک نیز مقامی بس والا داشت. به تمام قلمرو اسلامی و همسایگان کشورهای اسلامی مسافرت کرد و دیده تیزبین او در هر ذره، عالمی پند و حکمت می‌دید. در آن زمان در شیراز اتابکان فرمان می‌راندند. به مرور که قدرت سلجوقیان کاهش یافت سلسله‌های محلی به وجود می‌آمدند و نیرو می‌گرفتند. هنگام تولد سعدی حکمران شیراز /تابک مظفرالدین تلکه سومین پادشاه از اتابکان فارس بود از ده سال پیش تلکه در مقابل اتابکان عراق به دشواری مقاومت می‌کرد و مورد دستبرد و غارت اتابکان آذربایجان نیز قرار گرفت. ویژگی شاخص سعدی در غزل عاشقانه و مثنوی اخلاقی و نثر فنی به سبک مقامه نگاری است (دهخدا، ۱۳۷۳، ۱۲۰۴۰).

گذری بر زندگی و شخصیت متنبی

متنبی شاعری است از دوره عباسی که در سال ۳۰۳ هجری قمری در شهر کوفه دیده به جهان گشود و جهان عرب را به شعر خویش مشغول کرد. /بن رشیق، ادیب شهیر، می‌گوید: «متنبی در آسمان ادب پیدا شد و جهان را فرا گرفت و شعرش کار و بار مردم دنیا شد. در «تذکره الشعراء» او را استاد الشعراء لقب داده‌اند. برخی او را خلاق المعانی خوانده‌اند (منوچهریان، ۱۳۸۸: ۱۲). /احمد بن حسین معروف به متنبی در کوفه در خانواده‌ای فقیر به دنیا آمد. به صحرای سماوه رفت و عربی فصیح را آموخت و در همان جا قیام کرد که با شکست روبه‌رو شد و به زندان افتاد. او به بدر بن عمار پیوست و پس از مدتی وی را ترک کرد. سپس به سیف الدوله پیوست و نه سال همنشین او شد اما به علت حسادت حسودان او را به قصد کافور/خشیدی ترک کرد و به

مصر رفت ولی به علت وفا نکردن کافور به وعده‌اش او را هجو کرد. سپس به ابن‌العمید و عضدالدوله پیوست. وی سرانجام در راه بازگشت به بغداد توسط فتنک بن جهل اسدی کشته شد (الفاخوری، ۱۳۸۰: ۵۹۴).

متن‌بی دوران کودکی‌اش را در عصری مضطرب و مشوش در پایان خلافت عباسی سپری کرد. آنگاه که او شش ساله بود، حلاج به دار آویخته شد و فتنه خوارج و زنگی‌ها و قرمطیان، عباسیان را به خود مشغول کرد. خلیفه معتضد در بغداد کشته شد و بویه‌یون بر بغداد و اخشیدیون بر حکومت مصر چیره شدند و دولت حمدانیون در شمال شام تأسیس شد. بنابراین متن‌بی در این دوره سقوط تمدن اسلامی عربی زندگی کرد و سعی در نجات روح این تمدن، از طریق اشعار خود داشت (فاضلی، ۱۳۷۲: ۳۷). در هر حال متن‌بی زندگی سخت و پرمشقتی را پشت سر گذاشته است و شکوفا شدن استعداد وی و تفاخر به عظمت روحی می‌تواند به خاطر عقده حقارتی باشد که آذر از آن به عنوان عامل پیشرفت انسان‌ها یاد می‌کند.

متن‌بی از خانواده مهم و سرشناسی نبوده و هرگز از اجداد و نسب خویش نامی نبرده است. او به جای فخر به نیاکانش به روح با عظمت و اعمال بزرگ و افکار بلند خویش مباهات می‌نمود (البرقوقی، ۲۰۰۱: ۳۱):

لا بقومی شرفتُ بل شرفوا بی
و بنفسی فخرتُ لا بجُودی
(متن‌بی، ۱۹۳۴: ۳۲۲)

- من به قوم و نیاکان خود افتخار نمی‌کنم، بلکه به عظمت و بزرگی خود می‌بالم
متن‌بی عرب اصیلی بود که خصوصیات عربی را مقدس می‌شمرد و عرب را برتر از دیگر اقوام می‌دانست و ویژگی‌های اخلاقی عربی را برترین ویژگی می‌دانست و شعرش تصویری از این عقاید بود (کبریت، ۲۰۰۱: ۳۵).

در دوران حیات متن‌بی مدح رواج فراوان یافته و شاعران بسیاری به مدیحه‌سرایی مشغول بوده‌اند. در حالی که حدود ۹۰ درصد دیوان متن‌بی را مدح تشکیل می‌دهد. یکی از نمادهای مهم و پر استعمال مدایح متن‌بی بحر یا دریاست.

جوداً و یبعثُ للبعید سحائباً
کالبحرِ یقذف للقریب جواهرأ
(البرقوقی، ۲۰۰۱: ۷۸)

- او (ممدوح) چون دریاست، برای آنان که نزدیک دریایند از روی جود و کرم گوهر را پرت می‌کند (می‌بخشد) و برای آنان که از آن دورند ابرهای احسان خود را می‌فرستد

متنبی شاعر بزرگ و نابغه شعر عربی است و از زمانی که پا به عرصه شعر نهاده همه را به خود مشغول کرده است. تأثیر او در ادب عربی بی‌بدیل است؛ به گونه‌ای که وقتی بخواهند اهمیت شاعری را در عصر نشان دهند، او را متنبی آن عصر می‌خوانند. متنبی با انگیزه کسب رضایت ممدوح و رقابت با شاعران دربار سیف الدوله، در اشعار خود به استعاره و تصاویر پیچیده و چند لایه متوسل می‌شود. متنبی در مدت نه سالی که در دربار سیف الدوله بود مدح را به حد اعلائی خود رساند و در این مدت به جز سیف الدوله کسی دیگر را مدح نکرد و بخش عظیمی از دیوان خود را به سیف الدوله اختصاص داد تا جایی که طه حسین در کتاب «من تاریخ الأدب العربی» می‌گوید: «اگر کسی بگوید متنبی درباره سیف الدوله دیوان مستقلی دارد و اگر این اشعار در کتابی مجزا گرد آورده شود، نه تنها زیباترین اشعار متنبی بلکه زیباترین اشعار عربی است زیاده نگفته است» (حسین، ۱۹۹۱: ۱۶۴). متنبی شیفته قدرت است و بیش از همه به وصف جنگ پرداخته است. وی در وصف جنگ هجده قصیده دارد و در این قصاید وصف را با داستان پردازی، غناء و حماسه به هم آمیخته است.

متنبی در زمان جنگ‌های مسلمانان علیه رومیان عظمت مسلمانان را به تصویر می‌کشد و مهارت خویش را در وصف جنگ‌ها بروز می‌دهد و شعرش را از حماسه و فخر آکنده می‌سازد. در قصیده‌ای جنگ سیف الدوله با دمستگ برداس یکی از فرماندهان رومی را کاملاً به تصویر می‌کشد و هیچ چیز از نگاه تیزبین متنبی دور نمانده است. در این جنگ دمستگ برداس توانسته از معرکه بگریزد ولی پسرش به اسارت سپاهیان سیف الدوله درآمد. متنبی در آثار جاودان خود، تصاویر بدیع و خیال انگیزی از عظمت گرد و غبار سپاهیان آفریده‌اند که از زوایای مختلف قابل تأمل است. قدرت پرواز او در آسمان خیال مشخص می‌گردد و تصویرهای پیچیده و نیازمند شرح و تأمل متنبی، در درجه اول زاینده سبک ادبی حاکم بر آن روزگار در عراق و شام بوده، در درجه بعدی، این

تصاویر از مقتضیات شعر مدحی و درباری است. مخاطبان متنبی درباریان و خواص‌اند و به این سبب ریزبین است و اغلب تصاویر او محتاج اندیشه و فکر است.

الجو أضيّقُ ما لاقاه ساطعها
ومقله الشمس فيه أحيِر المقل
ينالُ أبعد منها وهي ناظرةٌ
فما تُقابلُهُ إلاّ على وَجَل
(البرقوقي، ۲۰۰۲: ۲۳۷)

- غبار لشکر همه فضا را پر کرده است به طوری که فضا برای آن تنگ است و چشم خورشید حیران‌ترین چشم به این غبار است. غبار جنگ به جایی دورتر از خورشید می‌رسد و خورشید جز با ترس به این غبار نمی‌نگرد.

شاعر عرب در بیت بالا با طبع‌آزمایی و شخصیت‌بخشیدن به خورشید (استعاره مکنیه) تصویری بس زیبا و حیرت‌انگیز برای توصیف بزرگی و عظمت گرد و خاک کرده است، با نازک‌اندیشی و باریک‌بینی به جای اشاره به چشم، بر مردمک آن انگشت گذاشته تا یادآور تغییر شکل آن در زمان ترس باشد. خود بزرگ‌بینی و تواضع، میل به دنیا و روی‌گردانی از آن، خودشیفتگی و فخر به شجاعت، بدبینی و نفرت از زمانه و اهل آن از متنبی شخصیتی نادر ساخته است. او بسیار خودشیفته و مغرور است و خود را از هر عیب و نقصی بری می‌داند (فاضلی، ۱۳۷۲: ۳۷).

ما أبعدَ العيبَ والنقصان عن شرفي
أنا الثريا، وذان الشيب والهرم
(متنبي، ۱۹۳۴: ۳۷۱)

- چقدر عیب و کاستی از منزلت و شرف پاک من به دور است! من همچون ستاره ثریا بلندمرتبه‌ام و عیب و نقص چون پیری و افسردگی فرسنگ‌ها با من فاصله دارد

متنبی علاوه بر شاعری، فیلسوف بود و در عهد *فارابی* می‌زیست. اشعار حکیمانه وی که ضرب‌المثل شده‌اند قابل‌مقایسه با قطعات حکیمانه سعدی است. متنبی یعنی کسی که ادعای پیغمبر بودن نموده است ولی *ابوطیب متنبی* معتقد به دیانت اسلام و مذهب تشیع بود و پیغمبری محم (ص) را قبول داشت و ادعای نبوت نداشت. در ساختار شخصیت متنبی خود نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند و اصرار نهاد متنبی در برآورده کردن اهداف مادی‌اش باعث شد که خود از یک طرف به سبب این پافشاری از او

شکایت کند و از طرف دیگر فراخود متنبی نیز به جهت این لجاجت او را سرزنش کند. زیرا نهاد متنبی باعث شد برای برآورده کردن خواسته‌های مادی، خودش را به زحمت بیندازد و مشکلات زیادی را تحمل کند. از طرف دیگر این تلاش زیاد برای رسیدن به پول، او را از اهداف والایش دور کرد و در تضاد با اهداف آرمانی فرا خودش قرار گرفت. او با ناراحتی می‌گوید:

ضاقَ صدری و طالَ فی طلب الرز
قِ قیامی، و قلَّ عنه قعودی
أبدأً اقطعُ البلادَ ونجمی
فی نحوس وهمتی فی سعود
ولعلی مؤملٌ بعضی ما أب
لُغُ باللطفِ من عزیز حمید
(متنبی، ۱۹۳۴: ۱۱۵)

- سینه‌ام تنگ شده است، و تلاشم برای طلب رزق و روزی طولانی گشته و از پای ننشسته‌ام. پیوسته سرزمین‌ها را برای کسب روزی می‌پیمایم، در حالی که طالع‌م نامبارک است اما همت عالی دارم. شاید به لطف خدای عزیز و ستوده به برخی از آرزوها و امیدهای خود دست یابم
متنبی در قصیده‌ای که در آن علی بن محمد سیار را مدح کرده، اینگونه شرایط سخت زندگی و فقرش را بیان می‌کند (الیازجی، ۱۳۵۶: ۲۸۳):

ومهمه جُبته علی قدمی
تعجزُ عنه العرامسُ الذلُّ
(همان: ۲۴۶)

- و چه بیابان‌هایی که با پای پیاده پیمودم، بیابان‌هایی که شترهای قوی هیکل و تنومند از پیمودن آن‌ها ناتوان‌اند

زمانی که متنبی وارد دربار کافور، حاکم مصر، شد دیگر دغدغه مادی نداشت. «زیرا وقتی به سیف الدوله پیوست دنیا به او روی آورد و به ثروتی که می‌خواست رسید، اما این ثروت، خود بزرگ بینی و آرمان‌گرایی را که متنبی با آن خو گرفته بود خاموش نکرد» (المقدسی، ۲۰۰۷: ۳۴۶). متنبی قیامش با شکست روبه‌رو شد و به زندان افتاد. وقتی قیام متنبی با شکست مواجه شد نوعی بدبینی نسبت به همه انسان‌ها در او به وجود آمد. از این رو دیگران را عامل شکست خود می‌دانست و همه انسان‌ها را بی ارزش دانسته و آن‌ها را تحقیر می‌کرد.

متن‌بی خودش را با سیف‌الدوله یکی می‌دانست، زیرا سیف‌الدوله آرزوهایی را که متن‌بی از محقق ساختن آن‌ها ناتوان بود محقق ساخت. بنابراین تمایل عجیبی در متن‌بی به وجود آمد که در سیف‌الدوله ادغام شود (الطبال، ۱۹۸۵: ۲۷-۲۵). سیف‌الدوله هم جنگجویی شجاع و هم ادیبی توانا بود. متن‌بی نیز وقتی با جهان واقعی روبه‌رو شد و برای آنکه با مشکلات آن سازگاری یابد به دنیای رؤیایی پناه برد. بنابراین او تصویر مافوق تصور از خود ارائه می‌کرد تا با واقعیت تلخ هماهنگ شود. اصل و نسب متن‌بی در هاله‌ای از ابهام است و از اصل و نسب مشهور و بزرگی برخوردار نیست (الیازجی، ۱۳۵۶: ۴۰۰).

مقایسه شخصیت متن‌بی و سعدی

دنیای درونی متن‌بی و شخصیت او شاهد تعارض و کشمکش بوده است. این تعارض بین سطوح شخصیت متن‌بی بر زندگی ادبی و بر جهان بیرونی او نیز تأثیر گذاشته است. این تعارض در اشعار او به دو شکل نمود پیدا کرد. شکل اول این تعارض برخورد خواسته‌های مادی نهاد با اهداف کمال‌گرای فراخود بود.

و کم هذا التمادی فی التمادی؟	إلی کَم ذا التخلّف والتوانی
ببیع الشعر فی سوقِ الکسادِ؟	وشغلّ النفسِ عن طلبِ المعالی
علی ما للأمیر من الأیادی؟	أرضی أن أعیشَ ولا أکافی

(متن‌بی، ۱۹۳۴: ۲۰۹)

- این عقب ماندگی از رسیدن به ملک و قدرت تا کی؟ و این انتظار در انتظار تا کی ادامه دارد؟ و تا کی فروختن شعر در بازار کساد انسان را از طلب مجد و بزرگی‌ها باز می‌دارد؟ آیا شایسته است از زندگی خرسند باشم در حالی که از سوی هیچ امیر و پادشاهی به من پاداش داده نمی‌شود؟

نهاد متن‌بی میل به ثروت را در او به وجود آورد و او را برای رسیدن به آن به تکاپو واداشت. انگیزه به وجود آورنده این میل در نهاد متن‌بی فقر مادی او بود. خواسته‌های مادی او مغایر با اهداف آرمانی‌اش بود. پس این دو سطح شخصیت متن‌بی در طول زندگی‌اش با هم در جدال بودند که در نهایت فراخود او بر نهادش غلبه کرد. متن‌بی اهداف آرمانی داشت که همراه با بزرگ‌نمایی و غلو بود. وی شیفته شخصیت و

خصوصیات فردی خویش می‌باشد و ذوق لطیف و استعداد سرشار خود را برای نمایاندن عظمت روحی خود به کار گرفته است. بستر شکل‌گیری این عقده روحی در سابقه خانوادگی او وجود دارد.

با نگاهی به زندگی متنبی و مطالعه اشعارش متوجه می‌شویم که یکی از نیازهای مادی که در نهاد او به وجود آمد میل و حرص شدید به مال و ثروت بود. «متنبی در سال‌های اول زندگی کرامت و ارزش شعرش را به کم‌ترین بها می‌فروخت و ممدوحش را بخشنده‌تر از *حاتم طایی* معرفی می‌کرد، ولی نتیجه مدح او به چند درهم محدود می‌شد. وقتی بهای مدحش به یک دینار رسید قصیده‌اش به دیناریه معروف شد» (التوانجی، ۱۹۹۲: ۱۶۴).

اصرار نهاد، متنبی را به جایی کشاند که برای دستیابی به پول هر کسی را در هر مقامی مدح می‌کرد و به بهای کم در مقابل مدحش راضی می‌شد و صراحتاً از ممدوح خود طلب بخشش می‌کرد. او برای اینکه ممدوحش را برای بخشش به وی تحریک کند، بخشش و هدایای او را به باران رحمت تشبیه می‌کند (الیازجی، ۱۳۵۶: ۱۲۷).

أَمَطِرَ عَلَيَّ سَحَابَ جُودِكَ ثَرَّةً
وَانظُرْ إِلَيَّ بِرَحْمَةٍ لَا أَعْرَقُ
(متنبی، ۱۹۳۴: ۱۴۲)

- ابر فراوان جود و کرم خود را بر من ببار و با رحمتی به من بنگر که در سیل بخشش غرق نشوم

متنبی خواهان احیاء و بازگشت مجد عربی بود و آن را سرلوحه اهداف خود قرار داد و برای دستیابی به این هدف، به دربار اکثر حاکمان عربی آن زمان رفت و سعی کرد که با مدح، آن را به عظمت عربی تشویق کند. برخی از مدایح متنبی، از روی عشق به ممدوح است و از عمق جان شاعر بر می‌خیزد، همانند مدایح *سیف الدوله*؛ اما برخی دیگر یا به خاطر تکسب است و یا به دلیل ترس از ممدوح؛ مانند مدایح *کافور*، و گاهی هم مدح او به خاطر تشکر است، همانند مدایح *عضد الدوله* در شیراز.

متنبی از بزرگ‌ترین شاعران تمام طول تاریخ عرب است و هیچ شاعری در بین اعراب دیوانش مانند دیوان متنبی و شعر او مورد نقد و استقبال واقع نشده است و از این جهت با/نوری در ادبیات ایران قابل مقایسه است. یکی از مشخصات نبوغ سعدی در این است

که از کوچک‌ترین حادثه زندگی خود درسی اخلاقی می‌دهد. در چنین جایی کلیات کودکی او مطرح است و چنین می‌نماید که وی از دوران طفولیت خود خاطره‌ای دلنشین و در عین حال حزن‌انگیز دارد.

«گلستان» سعدی با وجود حجم اندکش از جهت تنوع و موضوع دامنه وسیعی دارد. از غرایز پست آدمی تا صفات متعالی انسانی موضوع «گلستان» است. از این رو بر خلاف بوستان که دنیای آرمانی را به نمایش گذاشته، زشتی‌ها و پلیدی‌ها را در کنار زیبایی‌ها نشان می‌دهد، سندی است از زندگی و شیوه اندیشیدن و رفتار مردم عصر. سعدی در میان مردم زیسته، واقعیت‌های عصر را درک کرده و به خصیصه قدرت و ماهیت حکومت‌ها در محدوده ذهنیت روزگار خود، آگاه بوده است و در همان حال به مراکز قدرت نزدیک؛ پس نزدیک‌تر به صواب آن دیده است که ضمن ستایش از قدرتمندان آنان را پند دهد و به مسؤولیت‌های حکومتی که داشته‌اند واقف گرداند.

نوشته‌های سعدی مشحون از کلمات و جملات حکیمانه است که در زیر عنوان حکمت و موعظه آورده شده است:

نه مرد است آن به نزدیک خردمند که با پیل دمان پیکار جوید
بلی مرد آن کس است از روی تحقیق که چون خشم آیدش باطل نگوید
(سعدی، ۱۳۷۴: ۱۳۱)

به اعتقاد سعدی جاه و مقامی بالاتر از مقام عرفان و درویشی نیست. اصل اخلاق و سلوک آدمی از منظر سعدی، آزادی، بلند نظری، بخشندگی و تعدیل میل‌هاست. همچنین برقراری عدل و احسان، شالوده سیاست مملکت و حکومت است.

نکند جور پیشه، سلطانی که نیاید ز گرگ چوپانی
پادشاهی که طرح ظلم افکند پای دیوار ملک خویش بکند
(همان: ۱۵۸)

این اندیشمند ادب فارسی، حاکمان را از مادی‌گرایی و تابعیت هواهای نفسانی بر حذر می‌دارد و حلم و وفاداری را از ویژگی‌های حاکم خرمند می‌شمارد.

هر که با اهل خود وفا نکند نشود دوست روی و دولتمند
(همان: ۴۵۳)

سعدی معتقد است «ملوک از بهر پاس رعیت‌اند، نه رعیت از بهر طاعت ملوک» بنابراین حاکمان باید فرصت را در خدمت به مردم غنیمت شمارند:

پادشاه پاسبان درویش است گرچه رامش به فرّ دولت اوست
گوسپند از برای چوپان نیست بلکه چوپان برای خدمت اوست
دریاب کنون که نعمت هست به دست کاین دولت و ملک می‌رود دست به دست

(همان: ۱۲۳)

در زمان متنبی یعنی اوایل قرن چهارم پیروزی‌های سیاسی اعراب و شکوفایی ادبیات عرب باعث شد که احساس تفاخر و غرور و خودستایی در شاعران عرب و نیز در متنبی زنده شود. اما عصر سعدی کاملاً با روزگار متنبی فرق داشت. زمان سعدی، زمان شکست بود و ایران به سبب حمله مغول اوضاع آشفته‌ای داشت. پس دیگر جایی برای خودستایی سعدی باقی نمی‌ماند. در دوره سعدی جنگاوری و پیروزی وجود نداشت و روح یأس و ناامیدی بر مردم حاکم بود. از این جهت است که سعدی از متنبی فاصله می‌گیرد. حکمت متنبی صرفاً فلسفی و ادبی است و هیچ‌گونه گرایشی به مضامین عرفانی و صوفیانه در او دیده نمی‌شود. اما سعدی همواره در اوج گرایشات صوفیانه است و در نتیجه سمت و سوی سخنان حکمت‌گونه آن دو بسیار با هم فرق دارد. نگاه موعظه‌گرایانه و فروتنانه سعدی به جهان حتی در قصاید او نیز آشکار است.

دیوان متنبی ۵ هزار و ۵۷۵ بیت دارد که تنها ۳۵۰ بیت آن حکمت و پند است. متنبی معروف‌ترین شاعر حکمت‌دان عرب است. اگر سخنان حکمت و پند متنبی را با سعدی بسنجید، در خواهید یافت که متنبی قطره‌ای است در برابر دریای پند و اندرز و حکمت سعدی. متنبی روحیه درباری بیش‌تری دارد، غرور و انانیت هم در او افزون‌تر است و گرایشی به قصاید پندآمیز ندارد. متنبی شاعر درباری بود اما سعدی اصلاً در دربار زندگی نمی‌کرد و ارتباط وسیعی با دربار نداشت. این البته به اختلاف ادبیات فارسی و ادبیات عرب هم باز می‌گردد. ادبیات عرب بر پایه مدح و مزد ستانی بوده است. چون زندگی آن‌ها قبیله‌ای بود، اما نگاه سعدی این‌گونه نیست. چراکه او از میان ملت برخاسته بود، نه قبیله. نگاه متنبی بر کسب مال و ثروت است قناعت برای او معنی ندارد، ولی مفاهیم فراوانی در آثار سعدی در ستایش قناعت و تواضع است. متنبی تنها

جرقه‌ای در ادبیات ما زد، دیگران از جذابیت‌های شعری او استفاده کردند و مسیر او را با شکوه بیش‌تر و موفقیت افزون‌تر ادامه دادند. در واقع او هیچ‌گاه سرمشق شعر ایران نبوده است زیرا کاری که متنبی می‌کرد قابل مقایسه با ادبیات ایران نیست. شهرتی که او در نزد ادبیات ایرانی یافت به خاطر پندیات اوست. در کتاب‌هایی مانند «چهار مقاله»، «مرزبان نامه» و «تاریخ بیهقی» از ابیات حکمت‌آمیز او یاد شده است. از همین روست که نظامی عروضی خواندن شعر متنبی را از شرایط موفق شدن در کار دبیری می‌داند. به هر حال در آن زمان ادبیات عرب در میان ایرانیان نفوذ داشت و فضای حاکم بر سه قرن اول ایران پس از اسلام چنان عربی است که حتی در دربار نخستین دولت ایرانی مستقل عرب ستیز، همه چیز عربی است و آوازه شعر و حکمت متنبی نیز به ایران رسیده بود (فاضلی، ۱۳۷۲: ۱۴۶).

عشق نزد سعدی و متنبی

میزان تأثیرپذیری هر شاعر از محیط خارج و ترکیب آن با تجربیات قبل و بازسازی تصویری نو در ذهن، عاطفه او نامیده می‌شود. به این ترتیب میان شاعران از جهت نوع عاطفه و بیان آن و نیز تأثیرگذاری بر خواننده تفاوت‌هایی اساسی وجود دارد. بنابراین عشق و محبت بیش از هر عامل دیگری در روح آدمی مؤثر است و این غریزه فطری از بدو خلقت، عنان عواطف و احساسات و تمایلات و اساساً هرگونه فعالیت را از ناحیه بشر در دست داشته است.

متنبی عشق و عقل را در برابر هم قرار می‌دهد:

إلام طماعیه العاذل ولا رأی فی الحبّ للعاقل

(متنبی، ۱۹۳۴: ۱۵۲)

- طمع ملامتگر تا کی؟ حال آنکه عاقل را در کار عشق اندیشه‌ای نیست
سعدی عشق کیمیاگر را در برابر عقل نقاد می‌نهد و آن یکی را قوی‌تر از این یکی می‌داند. عشق نزد سعدی به پدیده‌ای عرفانی و معنوی نزدیک شده است و مفاهیمی که در شعر او مطرح می‌شوند، عشق او را به ورای بهره برداری جسمی از معشوق ارتقاء می‌دهد و به همین دلیل است که او از عشق خود طالب وصال نیست. متنبی هم

شیرین‌ترین عشق را عشقی می‌داند که عاشق، خواهان وصال نباشد. معشوق، هسته اصلی و مرکزی شعر سعدی را تشکیل می‌دهد و در طرف دیگر متنبی است که به دلیل بزرگ طلبی خود و برخی اوقات حمایت دربارها و پادشاهان شعر دوست و شعر پرور، از بسیاری موهبت‌های زندگی از جمله زن چنان برخوردار شد که نسبت به معشوق و به‌ویژه جنس مخالف، دیگر آن عطش و التهاب را که در غزل سعدی می‌بینیم نداشت. عشق متنبی به جنگ و ترجیح شمشیر بر زن است (قاسمی حاجی آبادی و پیکانپور، ۱۳۸۹: ۱۲۱). متنبی شاعر معروف و زبردستی است، در عرب تقریباً نظیر سعدی در فارسی زبانان است، سعدی خیلی از متنبی استفاده کرده تا آنجا که خیلی از مضمون‌های سعدی مضمون‌هایی است که از متنبی گرفته است.

نتیجه بحث

عامل بسیار مؤثری که استعداد اجتماعی فرد را به فعلیت می‌آورد و شخصیت را پایه‌گذاری می‌کند و او را به صفات خوب یا بد اجتماعی متصف می‌کند، محیط تربیتی او می‌باشد. هرچند برخی ویژگی‌های شخصیت با پایه و اساس ژنتیک در فرد وجود دارند، اما ظهور و بروز آن‌ها به شرایط محیطی بستگی دارد. برخی از ویژگی‌های شخصیتی نیز عمدتاً توسط محیط در فرد به وجود می‌آیند و ریشه‌های ارثی ضعیفی را در آن‌ها می‌توان شناسایی کرد. بنابراین عامل محیطی در تکوین شخصیت نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای دارد. ما برای پی بردن به افکار شاعر علاوه بر بررسی شخصیت او به بررسی محیط زندگی او نیز نیاز داریم، زیرا جامعه‌شناسی و ادبیات لازم و ملزوم یکدیگرند که با استفاده از آن‌ها در نقد ادبی به شناخت دقیق‌تری از شاعر و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کرده می‌رسیم. تأثیر عوامل طبیعی و محیط اجتماعی بر شعر و شاعری سخنی گزاف نیست.

سعدی و متنبی علاوه بر اینکه از پدیده‌های طبیعی الهام می‌گیرند از پدیده‌های غیرطبیعی نیز متأثر شده‌اند. تنوع طبیعت و ویژگی‌های انسانی بدون تردید در غنا و زیبایی متون ادبی سهم بسزایی دارد. بر اساس این تحقیق اقلیم‌های سخت و خشن که دارای قابلیت‌های کم‌تری برای آسایش انسان هستند و زمینه ساز بروز و نمود رفتار و

اخلاق‌های مناسب‌تری برای انسان می‌باشند و اقلیم‌های معتدل با قابلیت‌های محیطی بالا، زمینه‌های انحراف اخلاق را برای انسان در پی دارد. از جمله عواملی که در پیدایش سبک شعری متنبی و سعدی تأثیر داشت یکی محیط فیزیکی و اجتماعی و دیگری حالات نفسانی فردی آن‌ها می‌باشد. متنبی در برهه زمانی مضطربی در تاریخ عرب می‌زیست و در زندگی با وقایع مهم و مشکلات عاطفی زیادی روبه‌رو شد که این مسائل در شعر او منعکس شده و مسلماً بر روحیه متنبی و سلامت روانی او تأثیر گذاشته است. سعدی با استعداد ذاتی و کسب تجارب ارزنده و تحصیل علم و دانش توأم با خودسازی توانسته است که جامعه عصر خودش را بشناسد و مشکلات روحی و روانی افراد را به خوبی تشخیص دهد و نگرش وی به همه امور، شکلی و ظاهری نیست، دروغ را ناپسند می‌شمارد و راست‌گفتاری را می‌ستاید و نهایت تلاش خویش را برای احیاء ارزش‌های اخلاقی و ترمیم بنیان‌های اخلاقی جامعه به کار می‌بندد. سعدی گاهی اوقات موضوع وراثت و گاه موضوع محیط و اجتماع را در تربیت مؤثر می‌داند. در دوره عباسیان، به‌ویژه در روزگار خلافت مأمون عباسی ادبیات غنی فارسی و نیز اندیشه‌های یونانی، بر ادبیات عربی تأثیر گذاشت، گرایش شاعران عرب به‌ویژه متنبی به حکمت نیز برخاسته از همین تأثیرات بود. اوضاع و احوال روزگار سعدی و متنبی متفاوت بود، به همین دلیل متنبی تحت تأثیر اوضاع زمانه خود، خودستا شد و سعدی که در زمانه شکست زندگی می‌کرد، مجال خودستایی نداشت، پس فروتن شد. شرایط محیطی در معروف بودن متنبی، در دشمنی با مردم و سعدی در دوست داشتن مردم نقش بسزایی داشت. در نهایت می‌توان گفت عوامل محیطی و عناصر طبیعی و خلقی انسان، ابعادی اعتباری هستند، که اراده انسان می‌تواند بر آن عوامل چیره شود.

کتابنامه

- آلن آ. راس. ۱۳۹۲ش، **روان‌شناسی شخصیت**، ترجمه سیاوش جمالفر، ویرایش ۲، تهران: نشر روان.
- آیسنک، هانس یورگن. ۱۳۷۷ش، **واقعیت و خیال در روان‌شناسی**، ترجمه محمدنقی براهنی، ینسان کاهان، چاپ دوم، تهران: انتشارات رشد.
- اثر آفرینان. ۱۳۷۸ش، **زندگینامه نام‌آوران فرهنگی ایران**، مجلد سوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران.
- ابن الرسول، سید محمدرضا. ۱۳۸۶ش، **مولوی و متنبی**، فرهنگ، ش ۶۴-۶۳.
- البرقوقی، عبدالرحمان. ۲۰۰۱م، **شرح دیوان المتنبی**، المجلد الاول، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- التونجی، محمد. ۱۹۹۲م، **المتنبي مالی الدنيا وشاغل الناس**، الطبعة الثانية، لا مک: عالم الکتب.
- حسین، طه. بی تا، **مع المتنبی**، الطبعة الثالثة عشره، قاهره: دار المعارف.
- الدسوقی، عبدالعزیز. ۲۰۰۶م، **المتنبي، شاعر العروبة وحكيم الدهر**، مصر: المؤسسة العربية للدراسات والنشر.
- دهخدا، علی اکبر. بی تا، **لغتنامه**، جلد هشتم، زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- روپ، ربرتو مایلی. ۱۳۸۰ش، **ساخت، پیدایی و تحول شخصیت**، ترجمه محمود منصور، تهران: دانشگاه تهران.
- ریچارد آی. لاینون و لئونارد دی گود اشتاین. ۱۳۸۸ش، **ارزیابی شخصیت**، ترجمه دکتر سیامک نقشبندی و علی قربانی و حمیدرضا حسین شاهی برواتی و الهام ارجمند. تهران: نشر روان.
- سعید شاملو. ۱۳۷۴ش، **مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت**، تهران: رشد.
- سعدی شیرازی، مصلح الدین. ۱۳۸۵ش، **کلیات**، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: نشر هرمس.
- رضایی ذری، غلامعباس و محمدحسن حسن زاده نیری. ۱۳۸۳ش، **شرح گزیده دیوان متنبی**، تهران: دانشگاه تهران.
- زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۸۶ش، **حدیث خوش سعدی**، تهران: نشر سخن.
- زهتابی، محمدرضا. بی تا، **شخصیت‌های نامی ایران**، تهران: انتشارات پدیده.
- شرف الدین، خلیل. ۱۹۹۲م، **المتنبي أمه رجل**، بیروت: الهلال.
- صفاء، ذبیح الله. ۱۳۵۶ش، **تاریخ ادبیات در ایران**، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- الطبال، أحمد. ۱۹۸۵م، **المتنبي؛ درسه نصوص من شعره**، طرابلس: منشورات المكتبة الحديثه.
- فاضلی، محمد. ۱۳۷۲ش، **التعريف بالمتنبي من خلال اشعاره**، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- الفاخوری، حنا. ۱۳۸۳ش، **تاریخ ادبیات زبان عربی**، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: توس.

کبریت، سمیر محمد. ۲۰۰۱م، ابوالطیب المتنبی؛ حیات، خصائصه العامة، مختارات من شعره، بیروت: دار المعرفة.

منوچهریان، علیرضا. ۱۳۸۸ش، ترجمه و تحلیل دیوان متنبی از شرح برقوکی، جلد اول و دوم، تهران: زوآر.

محیط طباطبایی، محمد. ۱۳۵۷ش، مولوی و سعدی، تهران: کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد.

المتنبي، احمد بن حسين. بی تا، دیوان المتنبي، بیروت: دار صادر.

اليازجي، ناصيف. العرف الطيب في شرح ديوان أبي الطيب، المجلد الأول والثاني، بیروت: دار صادر.

مقالات

لیلا قاسمی حاجی آبادی، مریم پیکانپور. ۱۳۸۹ش، «غزل در اشعار سعدی و متنبی»، مطالعات ادبیات تطبیقی، سال چهارم، شماره ۱۴.

Bibliography

Alen.o.ras (2013), personality psychology, translation by: jamalfar. s, edit:2, Tehran: ravan
Isnak.h (1998), Reality and fantasy in psychology, translation by: baraheny.m, Publishing: roshd, Tehran Second Edition.

Asar afarinan (2009), Biography of Iran's Cultural Heritage - Third Volume: Tehran: Iranian Cultural Heritage Society.

Ebno-alrasool. s (2007), motanabby and sady, Publishing: farhang, number: 63-64

Al-barghogh. a (2001), Description of Al-Mutanabi's Dispute, Al-Mujad al-Awl, Beirut: Dar Al-Kabul Al-Ma'mieh.

Al-tonjy.m (1992), al-motanabby maleo al-donya and shayhl al-nas, Second Edition: alamo al-kotob

Hoseen.t(-), maa al- motanabby, cayro: 13 Edition

Al-dasoghy.m (2006), motanabby Poet of the Arab and Wise of the Time, mesr: arabic school of publishing, first edition

Dehkhoda.a, Dictionnaire, Vol. 8 - Under the supervision of Dr. Mohammad Moein and Dr. Seyed Ja'far Shahidi, Tehran: Tehran University.

Rop.r(2001), Creation, Appearance and Personality Transformation, Translation of Mahmoud Mansour, Tehran, University of Tehran.

Richard I Lynn-Leonarddi, GoodStein (2009). Character evaluation. Translators: Dr. Siamak Nakhshbandi - Ali Ghorbani-Hamid Reza Hossein Shahi Browati, Elham Arjomand. Tehran: Publisher.

Shamloo.s(1995), Schools and theories in personality psychology, tehran: ravan

Sadi shirazi.m (2006, General, Correction of Mohammad Ali Foroughi, Tehran, Hermes Publishing

Rezaei Dari, Gholam Abbas, Hassanzadeh Nayeri, Mohammad Hassan. (2004) Explanation of the Divan Mutabi, Tehran: Tehran University.

Zarrin Kob, Abdul Hussein. (1386). Hadith Khosami Sa'di, Tehran: Sokhan

- Zahabati, Mohammad Reza, Names of Iran, Tehran: Publishing Paiddeh
- Sharaf al-Din, Khalil. (1992). Al-Mutanabi, Beirut: Al-Hilal
- Safaa, Zabih Allah. (1987) History of Literature in Iran, Amir Kabir Publishing House, Tehran.
- Al-Talba, Ahmed (1985) Al-Mutanabi, in accordance with my articles, Al-Mektah al-Haditha, Tripoli
- Fazeli, Mohammad (1993). El-Definition of motanabbi in his Poem, Ferdowsi University Press, Mashhad.
- Alfakoori, hanna. (2004). History of Arabic Language Literature, Translation by Abdolmohammad Ayati, Tehran: Toos.
- Kebrit.S.m (2001). Abu al-Tayyip al-Muntanbi... Beirut; Dara al-Ma'rafa.
- Leila.Gh and Maryam. P (1389). Ghazal in Poetry of Saadi and Mutabi, Comparative Literature Studies, Fourth Year. No. 14
- Manuchehrian.a (2009). Translation and analysis of Divan Textbay from the barghoghi, volumes I and II, Tehran: Zavar.
- Tabataba'i.M(1977). Rumi and Saadi, Tehran: Central Library and Documentation Center
- Al-Mutanabi.A, Diwan al-Matanabi, Beirut: Dasadar.
- Eliyazzhi, Nasif, Al-Arafat al-Tayyib Fei Description of Divan A'b-al-Tay'ib, Al-Maja'd al-'All and al-Thani, Das-darad, Beirut.